

به نام خدا

راه سعادت

تألیف

اسماعیل قدیم‌حانی

نشر پورنگ

۱۳۹۰

سرشنامه : قدیم خانی، اسماعیل
عنوان و نام پدید آور: راه سعادت، تالیف اسماعیل قدیم خانی
مشخصات نشر: تهران پورنگ، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهر: ۱۲۸ ص
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۲۳۱۱-۷-۴
قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال
چاپ اول: ۱۳۹۰
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: خوشبختی
موضوع: راه و رسم زندگی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۴/۲ ق/ ۱۲۸۱/Bj
رده بندی دیویی: ۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۰۲۸۵۶



نشر پورنگ

راه سعادت

نوشته : اسماعیل قدیم خانی

حروفچینی متن : طاهری

چاپ متن روی جلد: صادق

ناشر همکار: حسام

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۲۳۱۱-۷-۴

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

نشر پورنگ: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد

نرسیده به جمالزاده، پلاک ۳۱۶، طبقه اول. تلفن: ۶۶۹۴۹۷۹۷

کلیه حقوق اثر از لحاظ مادی و معنوی متعلق به مؤلف است.

تلفن تماس با مؤلف ۵۵۷۱۴۴۶۷

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۷	۱: راه‌هایی که بشر را در رسیدن به سعادت یاری می‌کنند
۲۱	۲: ثروت
۲۴	۳: اراده
۳۱	۴: شادی
۳۶	۵: محبت
۳۹	۶: خرد
۴۵	۷: حسادت
۵۰	۸: زمان
۵۵	۹: اندیشه
۶۰	۱۰: اعتماد
۶۷	۱۱: بدبینی
۷۲	۱۲: شخصیت
۸۶	۱۳: گذشت
۹۲	۱۴: عقل و اراده
۹۵	۱۵: خشم
۹۹	۱۶: خودخواهی
۱۰۸	۱۷: چند سفارش برای آرامش جسمی و روحی
۱۱۷	گزیده منابع

پیشگفتار

در بارهٔ سعادت و خوشبختی انسان، در نوشته‌ها و نظرات دانشمندان مختلف دنیا، موارد زیادی آمده است می‌شود گفت: سعادت گمشده‌ای است که همهٔ انسانها در صدد پیدا کردن و به دست آوردن آن هستند و هر کدام نیز به طریقی که خود شناخته و باور دارند معرفی کرده‌اند. فلاسفه یونان قدیم قبل از ارسطو، سعادت را در کمالات نفسانی می‌دانستند و چهار صفت به نظر آنان اساس سعادت انسان است که شامل: حکمت، شجاعت، عفت، عدالت می‌باشد. چنانکه ابن مسکویه گفته است: موقمی که انسان این چهار فضیلت معنوی را به دست آورد سعادت او کامل است.^(۱)

مرتاضان برای سعادت بشر به اصالت نفس عقیده دارند. آنها می‌گویند فقط با تکمیل نفس و تعالی روحانی است که باید با ریاضت و مجاهدت سخت، کمال روح را از قوه به فعل درآورد. با توجه به عدم اعتنای مرتاضان به جسم، وضعشان بدتر از روش یونان قبل از ارسطو است.

یک دسته دیگر در سعادت، هم به اصالت نفس عقیده دارند و در عین حال به بدن هم توجه دارند. یعنی سعادت حقیقی در تعالی نفس است

ولی از تمایلات و خواسته‌های جسم هم که خارج از حریم سعادت است، نباید غافل بود.

در دنیای کنونی (جهان متمدن امروز) سعادت و خوشبختی بشر رنگ دیگری به خود گرفته است. از این حقیقت بزرگ تعبیر دیگری می‌شود یعنی برعکس ملاک‌های قبلی که اصالت و اولویت در راه وصول به سعادت برای نفس و کمالات معنوی بود امروز در بسیاری از شخصیت‌های نامی و مردم کشورها مطلب درست برعکس شده است، یعنی اصالت لذت و اولویت مادی ملاک خوشبختی و مبنای سعادت آدمی شناخته شده و سجایای اخلاقی و جهات معنوی گویی بکلی طرد شده است. مختصر کلام این که تندروی‌های قرون گذشته در توجه به نفس و محرومیت بدن از لذات خدادادی جای خود را به تندروی‌های مادی و لذات و محرومیت از کمال روحانی و معنوی داده است. چنانکه فردی سلامت تن و جان را دلیل سعادت معرفی نموده است. دیگری سعادت را در ثروت و مکنت و مال یافته است و فردی مقام و منصب را در کنار ثروت و دارایی، از علائم سعادت معرفی کرده است و یکی دیگر می‌گوید: سعادت! ای اسم بی‌مستی و موهوم!

نه گدا بر تو دست یافت نه شاه در کجایی؟ ای ناشده معلوم! الکسی کارل می‌گوید: «سعادت و خوشبختی قابل تعریف نیست.» و بزرگی می‌گوید: «سعادت را در خارج جان خود نگرید، سعادت در درون شماست.» بعضی‌ها هم معتقدند قدرت و شهرت، باعث سعادت آدمی است. آخرین دسته هم فکران فروید، تمام خوشبختی‌ها را در لذت جنسی می‌دانند و می‌گویند تمام خوش کامی‌های زندگی بسته به این است که کسی بهتر بتواند کامرانی جنسی داشته باشد چرا که سایر کامرانی‌ها از این جا سرچشمه می‌گیرد. در مقابل عقاید فروید و طرفداران او، عده‌ای

هم سعادت را در تکمیل اخلاق نفسانی «پاکدامنی و عفت» می‌دانند. از نظر دین مبین اسلام، سعادت «ثمرات نیک رستگاری» از آن کسی است که خود را از آلودگی‌ها پاک ساخته، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»^(۱) و رسول اکرم ﷺ فرموده است: «بندگان در هم و دنیا هلاک شدن و آثاری از آنان باقی نماند.» در جایی دیگر قرآن کریم می‌فرماید: «مؤمنین در سعادت ابدی قرار دارند.»^(۲) «اوست که آمرزش را در قلوب مؤمنان جای می‌دهد.»^(۳)

و شاید کسانی هم هستند که برای به دست آوردن سعادت و خوشبختی، راههایی غیر از آنچه که بیان کردیم در نظر دارند. پس بهتر است این مختصر را مطالعه کنند. امید است که از لابه‌لای گفتار و نظراتی که جمع آورده‌ایم، راه مورد نظر خود را انتخاب و در پی‌ریزی زندگی آینده‌شان به کار بندند تا همای سعادت در سرشان قرار گیرد. انشاءا..

والسلام مؤلف

مقدمه

زندگی در عصر حاضر، بر مبنای مادیات استوار است. گمان مردم دنیا از هر قشر و رده‌ای که باشند بر این است که، بدون مال و ثروت زندگی جریان عادی ندارد و در این تصور، بعضی‌ها چنان غرق شده‌اند که آرام و قرار ندارند. آیا فراهم شدن مقدمات حتی آنچنانی، برای دوام کانون گرم و پر محبت زندگی کافی است؟ آیا با ساختمان‌های مدرن و مجلل و وسایل زندگی مدرن‌تر و غذاهای لذیذ، زندگی ما رو به سعادت است؟ آیا در عصر اتم و عصر نوین، زندگی ما رو به سعادت و خوشبختی است؟ اگر نه، پس باید دید نظر آنان که خوشبختی را شناخته‌اند و به بشریت معرفی کرده‌اند، چه بوده است؟ آنان سعادت را در چه دیده‌اند؟ و چه چیز را سازنده و پدیدآورنده سعادت معرفی کرده‌اند؟ اگر چه می‌دانیم هدف واقعی خلقت انسان برای شناخت خالق و اطاعت از او و رسیدن به مقام والای انسانیت که تنها راه سعادت است، می‌باشد ولی انسان طوری خلق شده است که هم اصالت کیش به خیر دارد و هم اصالت کیش به شر، هیچ کس نمی‌تواند بگوید که در من کیش به شر نیست، یا در من کیش به خیر نیست، خدای متعال ذات انسان را چنان قرار داده است که آزمایش کند تا حقیقت انسان روشن شود چرا که انسان آزاد است به زندگی مقصدی به دلخواه خود بدهد یعنی رسیدن به سعادت ابدی، یا

شقاوت ابدی. هدف بعثت انبیاء و اوصیاء هم این بوده است که انسان را با ارائه طریق مستقیم، به راه سعادت هدایت فرمایند.

حال اگر سؤال شود طریق سعادت کدام است؟ و معرفت الهی به چه معلوم می‌شود؟ یک جواب این است که سعادت هر چیزی در آن است که لذت و راحت وی در آن است و خالق او را برای آن آفریده است. چنانکه اقتضای غضب در انتقام کشیدن است و اقتضای لذت و شهوت در آن است که خواستار شهوت به آرزویش برسد، و چشم از دیدن مناظر زیبا و صورت زیبا لذت می‌برد و گوش از شنیدن آواز خوش لذت می‌برد. لذت دل آدمی در آن است که خاصیت وی است. لذا این چنین است که، آدمی دنبال دانستن است و چون دانست، احساس شادی می‌کند و هرچه علم انسان و شناخت او در چیزهای بزرگ‌تر و شریف‌تر حاصل شود، درک لذت آن بیشتر احساس می‌شود و وقتی معرفت حاصل شد انسان می‌فهمد که هیچ موجودی شریف‌تر از آن نیست که شرف همه موجودات بدان بستگی دارد. پس معرفتی شریف‌تر و لذت‌بخش‌تر از معرفت الهی نیست و این معرفت بر دل کسی غالب نشود مگر به ذکر و یاد او و طاعت امر و عبادت او. که عبادت الهی با بریدن از شهوات و دوری کردن از معاصی و فراغت دل است و این هردو (طاعت و عبادت) سبب محبت می‌شود که ریشه سعادت است.

قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»^(۱).

یعنی «حقاً که فلاح و رستگاری یافت کسی که تزکیه نفس نمود و با ذکر نام خدا به نماز و اطاعت پرداخت.»

در جای دیگر می‌فرماید: «هرکس اطاعت خدا و رسول او را نماید،

به تحقیق به فوز عظیم نائل گشته است و هرکس تابع هوی نفس شده از راه مستقیم الهی خارج شده و سقوطش حتمی است.

پس تنها راه سعادت، راه انبیاء و اوصیاء الهی است و هرکس از این راه تعدی کند، بر نفس خود ظلم کرده است. و می بینیم تمام کوشش انبیاء الهی بر این اساس بوده که نفس سرکش انسانها را مهار کنند چرا که نفس انسانی در ابتدا خالی از ملکات و رذایل اخلاقی است و هلاکت و سعادت انسان در گرو اعمال و روش تربیتی اوست چرا که بسیاری از مردم نمی توانند روح خود را بالاتر از مشغولیات مادی زندگی بکشانند. جهل آنها و عدم اطاعت از راه راست و مستقیم الهی که اشاره شد سبب گردیده مفهوم محدودی از مقصد زندگی داشته باشند. مانند بعضی ها که در مزارع دوردست زندگی می کنند از تشخیص عظمت آسمان آبی و شکوه و زیبایی طبیعت و آرامش تپه ها و کوهستان و جمال گلها و طرات و سرسبزی درختان هم عاجزند. نتیجه آنکه، کسانی که از حقیقت ثمره شیرین متابعت هادیان دین غافلند و راهی جز راه انبیاء و اوصیاء را انتخاب کرده اند و از نقش هدایتی رهبران راستین محروم هستند، راه سعادت را گم کرده اند. چرا که پندپذیری و شنیدن و عمل به حرف حق چیزی است که انسان را از لغزش ها و رسوائی ها حفظ می کند. آنچه در این مختصر گرد آورده ایم مواردی است که می توان خواننده را، به بعضی از راههای سعادت رهنمون گردد. خداوند ما را به راهی که رضایت خودش در آن است هدایت فرماید. والسلام

مؤلف